

## Analytical and Cognitive Symbolism of the Dragon Head in Persian Togh from Pre-Safavid Period to the Present

Tila Asgharzadeh Mansoury<sup>1</sup>  
Mohammad Aref<sup>2</sup>  
Pamaz Goodarzarvari<sup>3</sup>

Received Date; 10 Jun 2021  
Reception Date: 5 Sep 2021

### Abstract

This study aims to investigate the studies done on the dragons in Iranian Islamic art, especially the signs of Ashura. On both blades of Togh, you can see a less known element, i.e. dragon's heads.

These heads have been considered as symbols of the Geniis' army who asked Imam Hussein to let them enter the battlefield on the day of Ashura but he did not agree (as a symbol of good and help)

Others consider them as the symbol of the punishment of the oppressors caught in the fires of hell and "Ghashiyah snake") as a symbol of evil). But according to the ancient myths of Iran and old paintings, the dragon is a dual symbol of both the evil of drought and ugly temperament Like Zahak's shoulder snakes and a symbol of the life tree's guardian and precious treasures. Since the Agh-e Qyunlus era, Togh has been used in Iran but since the Safavid period and after that, Shiites have lauded it as a special mourning tool for Sayyid al-Shuhada.

---

<sup>1</sup> . Department of Art, Islamic Azad University of Central Tehran-Iran

<sup>2</sup> . Departmen of Drama, Faculty of Arts, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran-Iran. (Corresponding Author) [m.aref@iauctb.ac.ir](mailto:m.aref@iauctb.ac.ir)

<sup>3</sup> . Departmen of Visual Communication, Faculty of Arts, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran-Iran.

This study shows that this dragon can indirectly refer to the lack of water, the martyrdom of Imam and his companions while they were thirsty or a symbol of the guards, a cypress (freedom) and hidden treasure of the universe.

The research method is descriptive-analytical and its basic questions are as follows

1. What does the dragon on the Ashura symbol stands for?
2. How has the torpedo mouth been evolved?

**Key words:** dragon, torpedo mouth, Tough, Safavid era

## بررسی تحلیلی و نماد شناسانه‌ی سر اژدها در توغ‌های ایرانی (در بازه زمانی قبل از صفویه تاکنون)

تیلا اصغرزاده منصوری<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰  
 محمد عارف<sup>۲</sup> تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴  
 پرناز گودرزپوری<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تحلیلی‌های انجام شده در رابطه با حضور اژدها در هنر اسلامی ایرانی بخصوص علامت‌های عاشورایی است. در طرفین تیغه‌های توغ سر اژدها دیده می‌شود که نسبت به سایر عناصر از دلایل کمتر شناخته شده‌ای برخوردار است. برخی از محققین این عرصه بر این باورند که این سرها، نماد لشکر جنیان حاضر در روز عاشورا است، که برای یاری امام حسین (ع) اذن ورود به میدان جنگ خواستند و امام موافقت نفرمودند. (یعنی نماد خیر و یاری). برخی دیگر نماد عقوبت کار ستمگران می‌دانند که گرفتار آتش جهنم (مار غاشبیه) می‌شوند. (یعنی نماد شر) و اما آنچه از اساطیر باستانی ایران زمین بر می‌آید و در نگاره‌های قدیمی به تصویر کشیده شده، اژدها نمادی دوگانه است گاه نماد شرارت، خشک‌سالی و خوی زشت، همچون مارهای شانه ضحاک و گاهی نمادی از نگهبان درخت

۱. گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران

۲. گروه نمایش، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران. (نویسنده مسئول)  
 m.aref@iauctb.ac.ir

۳. گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران.

زندگی و گنج‌های با ارزش. چنانکه از مستندات بر می‌آید توغ از زمان آق قویونلوها در ایران کاربرد داشته است، اما از دوران صفویه و بعد از آن به صورت ادوات خاص عزاداری سیدالشهدا، جایگاه خاص خود را در میان شیعیان پیدا کرده است. روش پژوهش تفسیری-کیفی بوده و سئوالات بنیادی عبارتند از: حضور اژدها بر روی علامت‌های عاشورایی نماد چیست؟ و سیر تحول فرمی «دهانه اژدر» چگونه بوده است؟ پژوهش حاضر نشان می‌دهد حضور اژدها بر روی توغ می‌تواند اشاره‌ای غیرمستقیم به نبود آب و شهادت امام و یارانشان در اوج عطش و تشنگی داشته باشد و یا نمادی از نگهبانان درخت زندگی و گنج پنهان عالم معنی است.

**کلیدواژه:** اژدها، دهانه اژدر، توغ، علامت، دوران صفویه.

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

در طول تاریخ هنر اسلامی ایران، همیشه بین هنر و نمادپردازی، ارتباط بسیار نزدیکی وجود داشته است. به طوری که خوشبختانه هنرمندان مسلمان توانسته‌اند بسیاری از مفاهیم معنوی را در قالب تزئیناتی مبتنی بر اصول زیبایی شناختی ارائه دهند. در میان انبوه این عناصر تزئینی، نقوش حیوانات تخیلی یا اسطوره‌ای از جمله مواردی هستند که از همان ابتدای دوران اسلامی جای خود را پیدا کرده‌اند. صنعت ساخت فولاد و عناصر فلزی در ایران جایگاهی دیرینه دارد. این هنر با ورود اسلام به ایران نه تنها هویت خود را از دست نداد، بلکه در راستای تبدیل شدن به هنری اسلامی و شیعی بخصوص در دوران صفویه و بخصوص با وارد شدن به دنیای ابزار آلات عزاداری، هویت خویش را بیش از پیش تحکیم کرد و از آن به بعد در محرم و صفر، توغ، عَلم و علامت در هنرهای دستی ایران جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد که یکی از عمده‌ترین تزئینات به کار رفته روی آنها «سر اژدر» یا همان اژدهاست. بدیهی است که در دوران ایلخانیان با گسترش ارتباط بین ایران و شرق دور نقشمایه‌هایی از فرهنگ و تمدن چینی و مغولی وارد آثار هنری ایران چه در بخش نقاشی، سفال و کاشی و چه در بخش صنایع دستی و فلزکاری شد. اما به نظر می‌رسد بنابر مستندات حضور اژدها بر توغ ریشه‌ای ایرانی داشته باشد. در ادبیات و اساطیر ایرانی و بین‌النهرینی اژدها جایگاهی دوگانه دارد گاه خیر و گاه شر. در اساطیر شرق دور نمادی به مراتب موجه‌تر و مثبت‌تر و در نمادهای غربی شرورتر و خطرناک‌تر.

حال با بررسی نماد اژدها در چین، ایران باستان، غرب و هنر اسلامی می‌خواهیم به جایگاه حضور اژدها بر توغ‌های ایرانی بیشتر از پیش پی ببریم.

## ۲- پیشینه تحقیق

منابع مطالعاتی در این پژوهش کتاب‌ها، مقالات و داده‌های اینترنتی هستند. عباس دانشوری در کتاب خود با عنوان مار و اژدها در هنر اسلامی به مفهوم دوگانه‌ی اژدها اشاره کرده و

معتقد است اژدها در هنر اسلامی به مفهوم دو قطب مخالف یا دو نیروی به ظاهر متضاد می‌باشد. (DaneshVari, 2011)

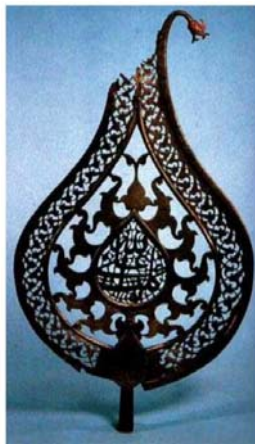
در مورد واژه‌شناسی اژدها، منصور رستگار فسایی در کتاب خود با عنوان اژدها در اساطیر ایران، با استناد به برخی اشعار و متون، به بررسی اژدها و خصوصیات ظاهری آن پرداخته است (رستگار فسایی، ۱۳۷۹) در مقالات دیگری به نقش اژدها در سفالیه‌ها و کاشی‌ها (حسینی، ۱۳۹۰) در نگارگری ایرانی (طاهری، ۱۳۸۸). در ادبیات با عنوان اژدها نماد کدام خشک‌سالی؟ (شهرویی، ۱۳۹۴) و اژدها در اسطوره‌ها و فرهنگ ایران و چین (نائب‌زاده و سامانیان، ۱۳۹۴) اشاره شده است و برای پژوهش حاضر از داده‌های این پژوهش‌ها استفاده شده است اما در هیچ یک از پیشینه‌های یاد شده به تندیس سر اژدهای موجود بر توغ‌های عاشورایی از منظر نمادشناسی پرداخت نشده است. هر چند در مبحث ویژگی‌های ساختاری و نمادین توغ ایرانی (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۴) به موضوع حضور عناصری همچون اژدر بر روی علامت پرداخته ولی توضیحی در مورد این که نماد چه چیزهایی می‌تواند باشد نداده است.

### ۳- تعریف توغ و خاستگاه آن

توغ علمی است که بخش اصلی آن از جنس آهن، فولاد و برنج است. اجزای آن عبارت است از تیرک چوبی، میله فلزی، صندوقچه‌ی مدور، صندوقچه‌ی مکعب، سر توغ که متشکل از یک یا دو ورق فولادی گلابی شکل است و تیغه. در ابتدای آن، تیری چوبی به طول یک و نیم تا پنج متر و با قطر هفت تا ده سانتی‌متر قرار دارد. این تیرک در قاب میله‌ای فلزی به قطر پنج سانتی‌متر و طول تقریبی یک متر قرار دارد. در این تیرک فلزی، صندوقچه‌ی مکعبی و اضلاع حدود پانزده سانتی‌متر و بر بالای آن، صندوقچه‌ی مدوری به ارتفاع ده تا پانزده سانتی‌متر از جنس فولاد یا برنج قرار دارد. پس از آن، ورقه‌ی فولادی گلابی شکلی به طول پنجاه تا هفتاد سانتی‌متر و عرض چهل تا پنجاه سانتی‌متر قرار دارد. در برخی از توغ‌ها، این بخش از دو صفحه تشکیل شده است که از وسط، یکدیگر را قطع می‌کند و چهار نیم صفحه‌ی

با زاویه‌ی نود درجه به وجود می‌آورد. در رأس سر توغ نیز تیغه‌ای فولادی به طول یک و نیم متر قرار دارد. در میانه‌ی ورقه‌ی گلابی شکل یا در ابتدای تیغه، معمولاً شیئی مدور از جنس فلز به چشم می‌خورد. در لبه‌های صفحه‌ی سر توغ که در قاب فلزی گردی قرار دارد نیز مجسمه‌ی دو تا چند ده سر اژدهای فلزی نصب شده است. (بلوک‌باشی، ۱۳۸۳؛ ص ۱۰۲)

تزئینات توغ عمدتاً کتیبه‌ها و نقوش گل و بته و اسلیمی است که بر اجزای مختلف آن با ظرافت نقش شده است. مهمترین کتیبه‌ها و نقوش، بر ابتدا و انتهای تیغه، سطوح ورقه‌ی گلابی شکل و صندوقچه‌ی مکعب مشبک‌کاری و بر روی صندوقچه‌ی مدور، حکاکی شده است. کتیبه‌ها که به نقوش ظریف گل و بته مزین است، شامل آیات قرآنی، احادیث، ادعیه و شعارهای شیعی و تاریخ ساخت توغ است. (تصویر شماره ۱ و ۲)



تصویر شماره ۲: علم فولادی با نقش اژدها، صفوی  
مأخذ: همان ۷۲.



تصویر شماره ۱: علم‌های فولادی با نقش اژدها  
صفوی

مأخذ: تناولی، ۱۳۸۱: ۷۴

توغ در آیین‌های عزاداری محرم با پارچه‌ها و شرابه‌های متنوع و رنگین تزئین می‌شود و در پیشاپیش دسته‌های عزادار در بسیاری از مناطق ایران به عنوان علم عزا و عنصری شایسته‌ی حرمت حرکت داده می‌شود. (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۷۳)

توغ که به صورت طوغ، طوق و توق نیز آمده است، از واژه‌ی «تغ» ترکی جغتایی و آن نیز از اصل چینی «تو» به معنای درفش گرفته شده است. پادشاهان سلسله‌ی هان (۲۰۲ ق.م تا ۲۲۰ م) توغ را در مراسم تشییع جنازه، پیشاپیش تابوت حرکت می‌دادند. همچنین تُغ (تُغ) به معنای پرچم نبرد به زبان‌های پامیری، پشتو، تبتی و تونگوزی نیز راه یافته است. کاشغری در دیوان لغات الترك (تألیف: ۴۶۶) معانی مختلفی برای آن ذکر کرده است؛ از جمله: گردوغباری که از سم اسبان بر می‌خیزد، کوس، طبل، بند آب، درپوش، درفش و علم.

توغ ابتدا میله‌ای بود که بر سر آن دم گاو نر آسیایی (گاو تبتی، یاق/ یاک، قطاس) نصب می‌شد؛ اما با انتقال این نشان از زیستگاه این نوع گاو، یعنی آسیای مرکزی و سرزمین‌های مجاور تبت، به نواحی دورتر آسیا، دم اسب یا منگوله‌ی پشمی یا ابریشمی جای آن را گرفت. گاه پنجه یا گروه‌های زرین یا علامتی سه‌گوش یا هلال مانند بر سر آن نصب می‌شد. حامل توغ را توغچی می‌گفتند. از این کلمه ترکیبات دیگری مانند تومانتوغ، چارتوغ، سرتوغ، پاتوغ، پاتوق‌دار در فارسی و ترکی معمول شده است. (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۴؛ ص ۱۱۱)

ظاهراً قدیمی‌ترین کاربرد توغ در چین بوده است که آن را سمت چپ ارابه‌ی امپراتور قرار می‌دادند. شاید کاربرد ابریشم نارنجی در توغ‌های دوره‌ی اسلامی، مانند توغ ایلک خانیان که «آل» نامیده می‌شد، از منشأ چینی آن باشد؛ زیرا نارنجی رنگ شاهان چین بوده است. در بین هون‌ها نیز توغ به مثابه‌ی نشان حاکمیت، اهمیت بسیار داشته است. توغ در آیین شمن نیز مظهر روح محافظ بوده است و این بر ماهیت مذهبی و آیینی‌اش دلالت دارد.

#### ۴- واژه‌شناسی اژدها

ریشه واژه اژدها و (ضحاک) یکی است و صورت‌هایی دیگر چون «اژدر»، «اژدرها» و «اژدهات» دارد، به معنی «ماری است افسانه‌ای و بزرگ، با دهان فراخ و گشاد.» (رستگار فسایی، ۱۳۷۹؛ ص ۱۴)

اژدها یا اژدر که در زبان اوستایی «اژی» (aži-)، در زبان پهلوی ساسانی (فارسی میانه) «از» (az) و در زبان سانسکریت «اهی» (ahi-) خوانده و نامیده می‌شود، به معنی «مار یا افعی



مهیّب و سهمگین» است. در متون کهن ایرانی، گاه این واژه به گونه عام بکار می‌رود و زمانی نیز با کلمات خاصی همچون «دهاکه» (دهاک) و «سروره» در می‌آمیزد و «اژی دهاکه» (ازدهاک و ضحاک) و «اژی سروره» (ازدهای شاخدار) را پدید می‌آورد که در تاریخ اساطیری ایران، هم‌آوردان سهمگین فریدون و گرشاسپ هستند. عرب ازدها را «ثعبان» گوید و کنایه از مردم شجاع و قهرآلود هم است و نیز «ازدها» نوعی آتش بازی است، نام «ازدها» در اوستا جزو خرفستران ذکر شده است و از پدیده‌های اهریمنی است.

در اوستا میان پیکره‌های افسانه‌ای ازدهای دو پیکره بیش از همه مورد توصیف قرار گرفته: ۱- اژی سرور (ازدهای شاخدار) ۲- ازیدهاک (هیولایی که سه سر و شش چشم و شش پوزه) این داستان‌ها را در اوستا به یک شخصیت تاریخی که مورد تنفر بوده و نامی همانند اژی دهاک داشته، نسبت دهند.

در برخی از آثار، معنی ازدها با مار یکی می‌شود و در افسانه‌ها و ادبیات عامیانه نیز این امر به فراوانی بیان شده است. واژه‌های «ازدها» و «مار» هر دو می‌توانند یک معنا و واقعیت را برسانند.

انسان، مار را به صورت ازدهایی مقدس و غول پیکر و جانوری عجیب‌الخلقه تصویر می‌کند، از این رو در اساطیر دارای جایگاهی شامخ است. مار، خزنده معروف، از جانورانی است که در اساطیر بسیاری از اقوام و ملل به صورت‌های متفاوت حضور دارد. در فرهنگ اساطیری ایران نیز، مار دارای تجلیات گوناگونی است. چنانکه آمده است: بر دوش ضحاک دو مار روید که با خوردن مغز سر جوانان، روزگار او را سیاه کردند. مار که به صور گوناگون نمایان می‌شود، جلوه‌ای از مظاهر مختلف است: گاه مظهر ارباب انواع دوزخی و یا مظهر آب‌های زیر زمینی است. مار، سمبلی جهانی است و اغلب جای خود را با ازدها عوض می‌کند. حتی در شرق دور، فرقی میان آن دو نیست. مار در سمبل‌های جهانی مفهوم نابودی و مرگ را به دنبال دارد و پوست اندازی او به معنی زندگی و احیا است. در برخی از ادبیات و افسانه‌های اسطوره‌ای غرب نیز- همچون ایران- مفهوم مار با ازدها یکی می‌شود. در

افسانه‌های گوناگون، کلمه دراگون اصطلاحی بسیار خاص برای تداعی ماری است که بدون وقفه بیدار بوده ... و با خدایان و یا قهرمانان، دائم در حال جنگ است. (طاهری، ۱۳۸۸؛ ص ۹)



نمونه‌ای از علامت عاشورایی با اژدرهای احاطه شده دور تا دور تیغه میانی عمل

استاد حسین بهمن

## بحث (تجزیه و تحلیل داده‌ها):

### ۵- مفاهیم نمادین اژدها در ایران

اسطوره‌ها با زبان نماد که زبانی پیچیده و چندسویه و رازآلود است، با ما سخن می‌گویند. «نمادهای اسطوره به یکبارگی، نمادهایی هستند که از ناخودآگاهی تباری و ناخودآگاهی جمعی بر می‌آیند. نماد نمونه برترین است.» (کزآزی، ۱۳۷۲؛ ص ۱۶۲) رویارویی و کشاکش نمادهای نیک و بد رخدادهای سترگ اسطوره‌ای حماسی را پدید می‌آورند. از جمله نمادهای بد و بی‌شگون در شاهنامه، دهاگ ماردوش است. هر اهرمینی که روزگاری به ایران تاخته، به شیوه‌ای نهانی و نمادین در این نماد فرو فشرده شده و از قلمرو تاریخ به پهنه اسطوره آورده شده است. ویژگی‌های دهاک یکسره اهریمنی است. ماردوش بودن او خود گواه آن است. مار در نمادشناسی کهن ایران، نشانه اهریمن است. (همان، ص ۱۶۷-۱۶۸). «در پاره‌ای از متون، اشاره به روی گنج نشستن اژدها دیده می‌شود.» (فخاریان، ۱۳۸۲؛ ص ۱۲۰) در توضیح اینکه اژدها با گنج در ارتباط است و از همان اژدها است، باید گفت: «آز دیو حرص و طمع است و

در اوستا به صورت (ازی) و بیشتر با صفت دیودار یاد شده است. «(عقیقی، ۱۳۷۴؛ ص ۲۱۹) با توجه به همانندی واژه‌های اژدها و مار و مواردی که اژدها را ماری عظیم توصیف کرده‌اند، می‌توان گفت که همان‌طور که در اسطوره‌های بین‌النهرینی، مار به عنوان نماد آغازین ظاهر می‌شود، (زبران، ۱۳۷۵؛ ص ۵۸-۶۰) اژدها نیز می‌تواند نماد آغازین باشد.

هر چند که امروزه بسیاری از مردم اژدها را با آتش مربوط می‌دانند، عنصر اولیه او آب است. این پیوند آب‌گران اساساً اژدها را از دیگر موجودات اساطیری چند شکلی متمایز می‌سازد. حتی اقوام کویرنشین نیز بر این نکته تأکید دارند و اژدهای آنها بیشتر وقت‌ها ته چاه است. در واقع، ته چاه اغلب با چشم اژدها یکی پنداشته می‌شود و این یکی دیگر از ویژگی‌های متمایز اژدها است؛ یعنی نگاه خیره و جستجوگر. می‌توان گفت واژه اژدها نهایتاً از واژه یونانی به معنی دیدن مشتق می‌گردد. (وارنر، ۱۳۸۶؛ ص ۵۱۳)

در تأیید این گفته می‌توان در متون کهن ایرانی سندی یافت. «در بندهش آمده است: آز دیوی است که همه چیز را فرو می‌بلعد ... چشم آزند، دامی است که جهان در آن فانی است.» (عقیقی، ۱۳۷۴؛ ص ۴۱۹) تاوارتانی به نقل از شمیسا، چنین می‌گوید: «مار و اژدها در ایران باستان، نماد قهرمان بود: نام فریدون در اوستا معنی مار سه سر و یا اژدهای سه سر را می‌دهد. از طرفی، اژی‌دهاک هم سه سر دارد؛ پس نبرد میان فریدون و اژی‌دهاک نبردی است که میان دو مار سه سر صورت گرفته است.» (تاوارتانی، ۱۳۸۴: ۸۵) پژمان فخاریان معتقد است:

ابره‌ای طوفان‌زا که حامل سرما هستند، ابتدا از دریاها بر می‌خاستند و نام مار به سبب حرکت‌های ابره‌ای طوفان‌زا به آنها نسبت داده شده است؛ چرا که در موقع طوفان و سرما، ابره‌ای سیاه و سرخ با فرم‌های پیچ‌دار طولانی دیده می‌شوند و چون از دهان آنها صاعقه بیرون می‌آید و صاعقه موجب آتش گرفتن می‌شد و فرم صاعقه و سرعت او شبیه به نیش مار بوده است، آنها را با اژدها یگانه می‌کردند؛ زیرا که مار و اژدها در مسیر اساطیر یگانه می‌شوند. در بندهش نیز از آتشی به نام وارشت نام برده می‌شود که جایگاه او در ابرها است. ریختن خون آنها و رهایی آب‌ها بعد از کشته شدن توسط اژدهاکش‌ها نیز تعبیری از باریدن باران از ابرها است... با نگرشی ژرف به روایت‌ها و سر اساطیر نیز همواره آتش را مقابل اژدها (سرما)

می‌بینیم. فردوسی در شاهنامه به صورتی نمادین، این مهم را مطرح می‌کند، هوشنگ بعد از پرتاب سنگ به سوی ماه سیاه، فروغی را که در اثر برخورد دو سنگ می‌بیند، همان آتشی است و مار که همان سرما است. اگرچه فرار می‌کند و از بین نمی‌رود، راه مبارزه با آن به دست می‌آید ... در زامیادیشیت نیز ستیز میان آتر (آتش) و غول اژی‌دهاک آمده است که باز کنایه از مبارزه آتش و سرما است. (فخاریان، ۱۳۸۲؛ ص ۱۲۰-۱۲۲)

به نظر مهرداد بهار، آبیاری از عظیم‌ترین انقلاب‌های بشری است. رودخانه‌ها مانند مار هستند و مانند اژدها ویرانگرند. انسان آب را رام می‌کند. و در اسطوره‌ها این عمل به عهده خدایان نهاده شد و در حماسه، پهلوانان این کار را انجام می‌دهند. (بهار ۱۳۸۱؛ ص ۳۱۰-۳۱۲) پهلوانان اسطوره‌ای در نبردهای خود پرچمی به همراه دارند که نشان مخصوصی بر روی آن حک شده است. به این پرچم‌ها همان طور که از اشعار فردوسی نمایان است، درفش می‌گفتند. «رستم با آنکه پیر زال و از خاندان سام است، درفشی آراسته به نقش اژدها دارد که مظهر خاندان مهرباب شاه کابلی است.» (رستگار فسایی، ۱۳۷۹؛ ص ۵۶) در نگاه اول به نظر می‌رسد که وجود نقش اژدها با آن هیبت و عظمت بر درفش رستم ممکن است ایجاد ترس در دل دشمن کند و برای پهلوانان هدف اصلی همین است. مهرباب کابلی از نژاد اژی‌دهاک است. رستم نیز در لغت به معنی رودخانه‌ای است که به خارج جاری باشد. نام مادر رستم هم رودابه است و رودابه و مهرباب هر دو از نظر لغوی با آب ارتباط دارند. اژدها در سیر اساطیر با آب در ارتباط است. خاندان مادری رستم از نسب اژی‌دهاک هستند و اینها همه دلیل برای قرار گرفتن نقش اژدها بر درفش رستم است. (بهار ۱۳۷۳؛ ص ۲۴۷-۲۴۸)

با توجه به مطالبی که ذکر شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اژدها در ایران نماد اهریمن، بدی، خشکسالی، ویرانی و تباهی است؛ هرچند که فریدون و مردوک که قهرمانان نیک هستند نیز به شکل اژدها در می‌آیند. «به نظر برخی روانشناسان جدید، اژدها هنوز با ما است و به گفته یونگ، اژدها نمودگار ایماگو، مادر منفی، است و از این رو، بیانگر مقاومت در برابر زنا با محارم یا ترس از آنها است.» (وازنر، ۱۳۸۶؛ ص ۵۱۳) جشن سده جشنی است که قدمتی کهن دارد و در آن آتش روشن می‌کنند.

سبب افروختن آتش در این جشن چنان است که ارمائیل وزیر ضحاک و مردی نیکو سیرت بود. ماموریت داشت هر روز دو مرد را گرفتار کند و به دژخیم بسپارد تا از مغز سرشان برای بیوراسب و مارهای شانهاش غذا و معجونی بسازد. ارمائیل برای جلوگیری از کشتن مردان هر روز یکی از دوتن را رها می‌کرد و می‌گفت تا پنهان شود و به کوه دماوند برایشان مأمن و پناهگاهی ساخته بود. چون فریدون بر ماردوش پیروزمند شد، این مردمی که به وسیله ارمائیل آزاد شده بودند، به یک صد تن رسیدند. ... ارمائیل آن مردمان را بفرمود تا شب هنگام هر یک جداگانه، آتشی افروختند و یک صد شعله آتش در آن شب از کوه دماوند فروزان شد ... مار سیاه رمز تمثیلی اهریمن و زشتی است. اژی‌دهاک یا ضحاک چنان که از نامش برمی‌آید، اژدها است. دو مار بر دوش او نشانه اهریمنی و کنایت از وجود شیطانی‌اش می‌باشد. مرگ می‌طلبد؛ چون باید از مغز سر آدمی تغذیه شود. آتش می‌افروزد و فروغ و روشنی این آتش است که بیوراسب ماردوش را نابود می‌کند و همیشه در بند نگاه می‌دارد. (رضی ۱۳۷۱؛ ص ۵۶۶-۵۶۷) (تصویر شماره ۳)



تصویر شماره ۳: ظرف منقش به تصویر ضحاک ماردوش (قرن ۱۲ میلادی)

## ۶- کارکرد نمادین اژدها در شرق دور

نمادها در چین بسیار اهمیت دارند. در این بین، اژدها موقعیت خاص و ویژه‌ای یافته است. (تصویر شماره ۴)



تصویر شماره ۴: اژدها یکی از ۱۲ حیوانی است که بنا بر تقویم چینی و تقویم مغولی هر ۱۲ سال یک بار در منطقه البروج چینی و منطقه البروج مغولی ظاهر می‌شود و تنها جانور افسانه‌ای در بین این ۱۲ حیوان است. سال اژدها همچنین معادل نماد چینی است.

اژدها آفریده‌ای نیکوکار به شمار می‌آید و برای مردم چین، اژدهای امپراتوری اولین حیوان نیکخواه در میان چهار حیوان مقدس ققنوس، اسب تک شاخ و لاک پشت است. اژدها نماد قدرت آسمانی، زمینی، خردمندی و همچنین استقامت است... اژدهای چینی با خود ثروت و خوشبختی و باران می‌آورد. سخاوتمندی آن نشانگر خوبی و سلامتی است. اژدهای چینی نماد قدرت، شجاعت، قهرمانی است و اصالت و الوهیت دارد... او پرنرژی، خوش بین، زیرک و جاه طلب، است. او فرشته مشرق زمین است. (Werner, 2005: 301-302)

«اژدها همان ابری است که در بالای ما راست می‌ایستد و امواج بارورکننده خود را فرو خواهد ریخت.» (شووالیه، ۱۳۸۷، ج ۱؛ ص ۱۲۵) اژدهای چینی نماد امپراطوری، انرژی مردانه و باروری است. حیوانی مقدس و بی آزار است. او از شرق محافظت می‌کند و نماد طلوع آفتاب، بهار و باران است. باران شدید به باران اژدها معروف است. (فورد، ۱۳۸۸؛ ص ۳۴)

اژدها عصاره زندگی را از طریق نفس‌هایش که به اسم فنگ‌شویی معروف است، به ارمغان می‌آورد. اژدها قدرت زندگی را در فصل‌ها و تأمین آب از طریق فرستادن باران، گرما از طریق

خورشید، باد از طریق دریاها و خاک از زمین به انسان‌ها ارزانی می‌کند. اژدها آخرین نماینده نیروهای طبیعت مادر است و نیروی معنوی بر روی زمین. اژدهای چینی نماد حفاظت و نگهداری معنوی است. او اشرف مخلوقات است. او توانایی زندگی کردن در دریاها، پرواز در آسمان‌ها و مأوا گرفتن در کوهستان‌ها را دارا است. از آنجا که حیوانی اسطوره‌ای و معنوی است، حافظ افراد بی‌گناه و پاک از شر شیاطین است. (Morgan, 2004: 7)

«صاعقه از باران جدایی‌ناپذیر است. ارتباط باران با اژدها آن را به مفهوم اصل فعال خدایی پیوند می‌دهد.» (شووالیه، ۱۳۷۸، ج ۱؛ ص ۱۲۸-۱۲۹)

اصل اژدهای چینی به طور قطعی، مشخص نیست، اما بسیاری از محققان معتقدند که از توت‌م قبایل مختلف چین نشأت گرفته است. بعضی معتقدند که از تصاویر موجود حیوانات مثل مار- ماهی و کروکودیل گرفته شده است، اما نظریه مار یا ماهی بودن اژدهای چینی مورد تأیید همگان نیست. نظریه دیگری این است که اژدهای اولیه گونه‌ای از تمساح بوده که بزرگ‌ترین خزنده جهان است. تمساح به خاطر توانایی تشخیص تغییرات آب و هوایی و فشار هوا مشهور است و می‌تواند احتمال باران آمدن را احساس کند. شاید به همین دلیل، به اژدها قدرت کنترل آب و هوا و باران را نسبت می‌دهند. ارتباط با تمساح‌ها هم با این نظر که در زمان‌های قدیم، تمساح‌های بزرگ گونه‌هایی از اژدها بوده‌اند، قطعیت بیشتری پیدا می‌کند. (Werner, 2005: 208)

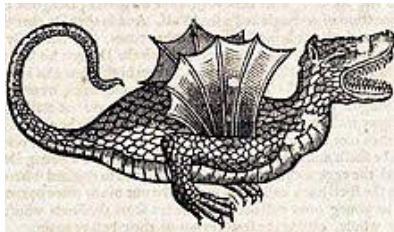
(نائب‌زاده و سامانیان، ۱۳۹۴؛ ص ۲۵۳)

## ۷- کاربرد نمادین اژدها در غرب

فرهنگ‌های مختلف دنیا از اژدها تعریف خاص خود را دارند. مفهوم اژدها در کشورهای غربی متفاوت از کشور چین است. اژدها در دین مسیحیت، نماد شرارت است. از نظر آن‌ها اژدها بال‌دارست، قدرت پرواز دارد و از دهان خود آتش می‌پراکند.

در اساطیر غربی، معمولاً اژدها به دست قهرمانان کشته می‌شود. اما اژدها در چین کاملاً مقدس است طوری که به عنوان نماد امپراتورها مورد استفاده قرار می‌گرفت. این موجود از مشهورترین موجودات افسانه‌ای در میان ملل مختلف محسوب می‌شود. در تعریف رایج

حیوانی بسیار تنومند با ریختی خزنده‌مانند است در فرهنگ غرب اژدها اغلب به صورت یک دیو درنده‌خو و بدذات توصیف می‌شود که نماد پلیدی است و قصد آسیب رساندن به آدمیان را دارد. برخلاف فرهنگ غرب در فرهنگ کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا اژدها حیوانی مقدس است که خرد و دانش فراانسانی دارد و از قدرت‌های ویژه‌ای برخوردار است. به نظر می‌رسد نماد اژدها در ایران، به نماد اژدها در غرب از نظر کارکرد و معنا نزدیک‌تر باشد. (تصویر شماره ۵)



تصویر شماره ۵: نگاره‌ای از اژدهای دوپا یا وایورن

## ۸- اژدها در آیات قرآن، روایات و احادیث

در آیاتی چند از قرآن کریم به اژدها چه عنوان عصای موسی در نقش حامی و نگهبان وی و ترساننده فرعونیان و چه به عنوان مار غاشیه در نقش منفی و تداعی‌کننده عذاب دوزخیان اشاراتی شده است. همچنین در احادیث و روایات فراوانی از زبان رسول...، امیرالمؤمنین و سایر ائمه در مورد اژدها موجود است که همین اسناد باعث شده است هنر اسلامی در زمینه‌های مختلف همچون نگارگری، سفال، کاشی و فلز از نقش اژدها به فراوانی بهره‌برد.

## اژدها در آیات قرآن

داستان معجزه حضرت موسی و تبدیل شدن عصای آن حضرت به اژدها بارها در قرآن تکرار شده است، اما واژه‌ای که برای اژدها به کار رفته متفاوت است: خداوند در قرآن در سوره طه در آیه ۲۰ خطاب به حضرت موسی می‌فرماید: «قَالَ أَلْقِهَا يَمُوسَى، فَالْقَهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى» (ای موسی، آن را بینداز، پس آنگاه آن را انداخت، و ناگاه (ماری) شد که به سرعت می‌خزید). در آیه ۱۰ سوره نمل آمده است: «وَأَلْقَ عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَتْهَا حَايَةً تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ



...» (و عصایت را بیفکن پس چون آن را ماری دید که می‌جنبد). همچنین در سوره شعراء آیه ۳۲ آمده است: «فالقی عصاة فإذا هی ثعبان مبین» (پس عصای خود را بیفکنند، به ناگاه اژدری نمایان شد). همان‌طور که در آیات می‌بینیم اژدها با واژه‌هایی چون «حیه»، «ثعبان» و «جان» آمده است. احمد طوسی در عجائب‌المخلوقات در مورد اژدها این چنین می‌گوید: «پس مار هرچند که برآید جوان‌تر شود اول حیه بود دوم درجه جان بود و سوم درجه ثعبان گردد» (طوسی، ۱۴۵؛ ص ۶۱۲). اژدها شدن عصای حضرت موسی موضوعی است که هنرمند مسلمان ایرانی از آن برای زینت بخشیدن هنر خود استفاده کرده است، از جمله در نسخه‌ای از قصص الانبیای نیشابوری اژدهای این نگاره حالتی تهاجمی دارد. با توجه به موضوع نگاره اژدها در اینجا به عنوان آفریده‌ای ایزدی است و به کمک قهرمان داستان که همان حضرت موسی است آمده و بدین سبب نمادگرایی آن دو وجهی است: آنجا که به کمک حضرت موسی می‌آید نماد دوستی با انسان و به عنوان آفریده‌ای ایزدی در خدمت اوست اما در مقابل فرعونیان چهره‌ای درنده‌خو دارد؛ بدین سبب با رنگ تیره و دهانی باز که آتشی در خود جای داده تصویر شده، در هر حال چهره خشمناک اژدها به کمک موسی آمده، این نگاره با توجه به موضوعش شاید تنها نگاره‌ای باشد که اژدها را در حال غلبه بر انسان نشان داده است. دهان باز و حرکت سر و نگاه اژدها به طرف بالا حکایت از ادامه این جدال دارد و چون این اژدها معجزه الهی است به نظر می‌رسد، پیروزی او حتمی است. (تصویر شماره ۶)



تصویر شماره ۶: حمله اژدهای موسی به خدمتکار

فرعون. صفوی

مأخذ: شروه، ۱۳۶۹: ۲۲۸

## اژدها در روایات و احادیث

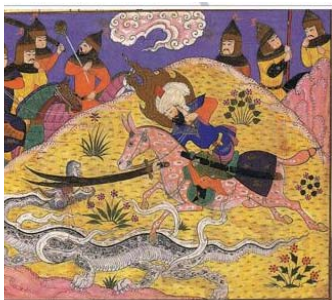
در اسلام اژدها گاهی در چهره موجودات دوزخی ظاهر می‌شود و سند ما روایتی است که در کیمیای سعادت از پیغمبر نقل شده است: «رسول (ص) گفت: عذاب کافر در گور آن است که نود و نه اژدها بر آن مسلط کنند. دانی که این اژدها چه بود؟ نود و نه مار و هر ماری را نه سر بود، وی را می‌گزند و در وی می‌دمند تا آن روز که وی را حشر کنند و اهل بصیرت این اژدهایان را به چشم بصیرت بدیده‌اند» (غزالی، ۱۳۷۹؛ ص ۹۵). همین سخن از پیغمبر اسلام کافی است که هنرمند ایرانی را به مجسم ساختن کلام ایشان ترغیب کند. برای نمونه، در نقاشی قهوه‌خانه‌ای با موضوع «روز محشر» در سمت راست سر اژدهایی دیده می‌شود که در دهان باز و بزرگش آدم‌هایی در حال بلعیده شدن هستند. در گوشه سمت چپ نیز سر اژدهای کوچک‌تری دیده می‌شود که در دهان او نیز آدم‌هایی در حال فریاد دیده می‌شوند. در کنار تصویر اژدها عبارت مار غاشیه نوشته شده است. «غاشیه در لغت به معنی آتش، آتش دوزخ و قیام است. اژدهای غاشیه اژدهایی است که گناهکاران را عذاب می‌دهد.» (رستگار فسایی، ۱۳۷۹؛ ص ۳۰۸). همانطور که از موضوع نقاشی مشخص است، روز محشر به تصویر کشیده شده است و گناهکارانی چون فرعون در حال بلعیده شدن در دهان اژدهای بزرگ هستند. در سراسر تصویر اژدهایان کوچکی دیده می‌شود که در حال بلعیدن انسان‌های گنهکار هستند (تصویر شماره ۷). در مراسم مربوط به سوگواری‌های مذهبی از علم‌هایی استفاده می‌کنند که بر تیغه‌های افقی آن تزئینات نمادینی وجود دارد از جمله تیغه‌های فلزی رو به بالا به شکل سرو فولادی با نقش دو اژدها که نمودی از اژی‌دهاک (ضحاک) است. «در واقع آنچه بر این علم‌ها نقش شده نمادی از اسطوره‌های کهن و جلوه‌ای از گوشه‌هایی از تاریخ دین، مذهب و اعتقاد به وحدانیت و توجه به آسمان و نیز بیداری و هشیاری مداوم در برابر اژدهای ستم و بیداد است» (همایونی، ۱۳۷۶؛ ص ۱۲)



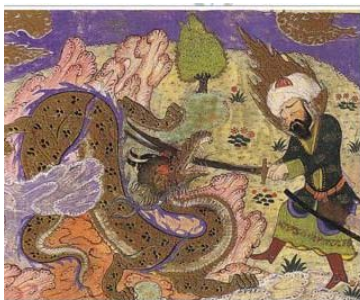
تصویر شماره ۷: عنوان اثر: روز محشر، اثر استاد محمد مدبر، مکتب قهوه‌خانه‌ای، دو عدد اژدها (مار)

غاشیه) در گوشه‌های راست و چپ تصویر یکی بزرگ و دیگری کوچک به چشم می‌خورد

روایاتی هم در مورد حضرت علی (ع) و اژدها وجود دارد از جمله: «در آن صحرای سوزان عربستان، زیر سایه‌ای از بوته خار مغیلان کودک شیرخواری خفته بود. مادرش فاطمه بنت اسد دست‌های کوچک کودکش را با بند قنطاق بسته بود و خود برای کاری از فرزند دلبنده فاصله گرفته و به سوئی رفته بود. وقتی به پیش پسرش برگشت با صحنه شگفت‌انگیزی روبه‌رو شد که بی‌اختیار درجا خشکش زد و چنان فریادی کشید که مردم جمع شدند. مادر در حالی که انگشت حیرت به دندان گرفته بود «مولود کعبه» را دید که بند قنطاق را پاره کرده است و با دست‌هایش که در عین ظرافت و کودکانه بودن، ستبر و مردانه بودند هم هویدا بود - دارد گلوی اژدهای بزرگی را در مشت می‌فشارد. مادر که لحظه‌ای مسحور لبخند نجیبانه دلبندهش شده بود زود به خود آمد و لحظه‌ای با خود اندیشید که نکند اژدها نمرده باشد، اما با یک نگاه دیگر مطمئن شد که اژدها در مشت علی می‌چاله شده و مرده است. وقتی که خیالش آسوده شد، لبخند خوشنودی به صورتش نشست و در حالی که داشت نفس راحتی می‌کشید چشم در چشم پسرش گفت: اَنْتَ حیدرٌ، حیدره / پسرم تو بچه شیری بچه شیر» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲؛ ص ۲۸۷-۲۸۸). حضرت علی با اژدهایی به نام «حی» می‌جنگد و او را با شمشیر خود می‌درد و به باور توده مردم به همین علت وی را «حیدر» یعنی «درنده‌ی حی» نامیده‌اند (کوثری، ۱۳۹۰؛ ص ۱۴-۱۳). (تصاویر شماره ۸، ۹ و ۱۰)



تصویر شماره ۸ از عنوان اثر: نبرد حضرت علی (ع) با اژدها، خاوران نامه، موزه کاخ گلستان، ماخذ: مجید بهدانی (۱۳۹۰) نمایش صحنه‌ای پر تحرک حضرت علی (ع) سوار بر دلدل با امامه‌ای سفید با ذولفقار ضربه‌ای سخت بر اژدها وارد کرده است.



تصویر شماره ۹: همان منبع قبلی، حضرت با پوششی به رنگ سیاه و سبز با دو دست ذولفقار را گرفته و مشغول نبرد با اژدهای غول آسا است.



تصویر شماره ۱۰: همان منبع، امیر المومنین (ع) با پوششی آبی و سبز و عمامه‌ی سفید به همراه یارانش سوار بر کشتی سیاه در حال نبرد با اژدهاست.

## ۹- نمود اژدها در هنرهای اسلامی ایران

عباس دانشوری در کتاب مار و اژدها در هنر اسلامی چنین می‌گوید: اژدها که جانوری است افسانه‌ای و حیرت‌انگیز، فراوان‌تر از دیگر حیوانات در آثار هنری جهان اسلام، دوره میانه، نمایش پیدا می‌کند. از این موجود خیالی در کناره طرح‌ها و نقش‌های هنری و در هر دو زمینه دینی و غیر دینی، مقدس و غیر مقدس، استفاده می‌شد. با این حال، جلوه‌های به ظاهر متناقض اژدهاست که اهمیت آن را مشخص می‌کند. مانند واژه فارماگن در آثار افلاطون که معنایی دوگانه چون زهر و پادزهر، یا درد و درمان و از این قبیل دارد، اژدها نیز دارای معانی متضادی است: هم به معنی ظلمت و پوشیدگی روشنایی است و هم به معنی نور خدا؛ هم مفاهیم ابلیسی را القاء می‌کند و هم مفاهیم الهی را می‌رساند؛ به عبارت دیگر، موجودی است هم زمینی و هم آسمانی. حالت "ین" و "یانگ" در فلسفه چینی‌ها را در نظر آورید که دو قطب مخالف یا دو نیروی به ظاهر متضادی هستند که با این حال، در طبیعت با هم پیوسته‌اند و وجود هر

یک متوقف بر دیگری ست. اژدها هم در هنر معماری اسلامی مانند "ین" و "یانگ" است: آتشی که از دهان اژدها بیرون می‌آید هم دوزخ نابودی و هم نور سعادت الهی ست. به این ترتیب، اژدها بیانگر یکی از آن نمادهای بی نظیر و رمز آمیزی ست که حادثه‌ای بهت‌آور و وصف‌ناپذیر مانند آفرینش، آشفستگی و نظم را نمایان و افزون بر آن، ترکیبی از دو نیروی متضاد را به ذهن متبادر می‌سازد که توازن آنها زندگی را ممکن و درک مفهوم زندگی را امکان‌پذیر می‌کند.

تحقیقاتی که تا امروز در این باره صورت گرفته بر جنبه ظلمانی این موجود افسانه‌ای توجه داشته، اگر اژدها را جانوری بدانیم تهدیدکننده یا شیطانی و بس، نمایش آن بر دیوار مساجد و دیگر بناهای مقدس، بر دروازه‌های شهرها، بر تخت پادشاهان، بر بال فرشتگان، بر پایه‌های شمعدان‌ها و از همه مهم‌تر در طرفین تیغه‌های توغ‌ها و علامت‌های عاشورایی، اسباب تحیر ما را فراهم می‌سازد. دانشوری با گفت و گو در این باره که نخستین معنی اژدها موجد روشنایی و نگاهبانی‌کننده و نماد آن است، گره از این معما می‌گشاید.

افزون بر این، او در زمینه اهمیت نماد نگاری اژدها از منظر اخترشناسی کیهانی و نمودهای دوگانه مختلف این حیوان خیالی به تحقیق می‌پردازد و درباره استعاره دو پهلوی تریاک که هم اژدها را نمایش می‌دهد و هم تنها داروی شفابخش نیش آتشین اوست، پژوهش می‌کند؛ نیز، اژدها را نشان‌دهنده نقطه مرکزی کره زمین - یعنی مکان آفرینش پروردگار - معرفی می‌کند و یکی از شگفت‌آورترین جلوه‌های آن -- یعنی نگاهبانی از فرمانروای نشسته بر تخت - را از پرده ابهام بیرون می‌آورد. (دانشوری، ۲۰۱۱؛ ص ۲۴)

به نظر می‌رسد با توجه به این که تمام نمادهای دیگر حاضر بر علامت از سرو و شیر و طاووس گرفته تا شتر و بز کوهی و آهو نمادی خیر هستند، وجود سر اژدها به فراوانی نیز می‌تواند نمادی از نگاهبانان سلطان عشق و اهل بیت ایشان بوده باشد تا نمودی از شرارت ستمکاران و عقوبت کار یزیدیان همچنین، بنا بر یافته‌های مقاله‌ی؛ سید هاشم حسینی در خصوص سفالینه‌ها و کاشی‌های هنر اسلامی با نقش اژدها میتوان پی برد که: نقش اژدها، از جمله نقوش اساطیری است که از دوران ایلخانی به بعد از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر نقوش

هنر سفالگری ایران برخوردار بود و با توجه به همین موضوع، اغلب تصور می‌شود نقشی کاملاً چینی و وارداتی است. اما وجود نمونه‌هایی از سفالینه و کاشی‌های قدیمی با نقوشی مشابه و با مشخصات اژدها که در موزه‌ها و مجموعه‌های مختلف داخلی و خارجی نگهداری می‌شود، اثبات‌کننده وجود و کاربرد این نقش قبل از ورود مغولان به ایران را فراهم ساخت. (حسینی، ۱۳۹۰؛ ص ۱۴)

بنا به یافته‌های تحقیق وی؛ نقش اژدها قبل از ورود مغولان در هنر سفالگری دوران اسلامی ایران سابقه طولانی دارد و متأثر از منابعی همچون اساطیر، ادبیات و عامیانه‌هاست. مانند انواع اژدها و دیوهای مورد اشاره در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی (و برخی مفاهیم نجومی) مانند تینین، یکی از صورت‌های فلکی در نیم کره شمالی آسمان (و یا عرفانی) مانند نفس آزمند اماره و صفات رذیله‌ای مانند (شهوة و غضب) است. همچنین این نقش تا پیش از ورود مغولان متنوع بوده و به اشکال مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفته ولی بعد از ورود آنها، اغلب مشابه با اژدهای مرسوم در فرهنگ و هنر کشور چین ترسیم شده است.

پس می‌توان چنین متوجه شد هر چند که ورود توغ به ایران را به شرق دور نسبت می‌دهند و مشخصات ظاهری اژدهای روی آن از دوران ایلخانی (که مراودات بین دو کشور ایران و چین بیشتر شده بود) شبیه به اژدهای چینی است، با این همه از منظر نمادشناسی، این اژدها می‌تواند خاستگاهی کاملاً ایرانی داشته باشد.

### ۱۰- مشخصات ظاهری و نمادین توغ‌های ایرانی

بین شکل و ساختار اولیه توغ و آنچه در دوره‌های بعدی به ویژه دوره صفوی شکل گرفته است تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. به نظر می‌رسد صورت ابتدایی توغ‌های ماوراءالنهر شکل ساده‌ای داشته و تیرکی بوده که از آن گروهه یا دم گاوی آویزان بوده، جز اینکه در برخی توغ‌ها شکل هندسی زرینی بر رأس توغ قرار داشته است. این شکل ساده توغ کمابیش در توغ‌های دوره ایلخانی (سده هفتم و هشتم) و تیموری (سده نهم) نیز قابل مشاهده است؛ چنانکه در مینیاتورهای این دوره، توغ‌ها به شکل نسبتاً ساده‌ای تصویر شده‌اند. در نسخه‌ای از

جامع‌التواریخ رشیدی که از سال ۷۰۷ هـ ق بر جای مانده، نگاره‌ای از جناگوری مغولی به دست می‌دهد که توغ‌هایی در دست دارند (تصویر شماره ۱۱)، اما این دو توغ شباهت چندانی با توغ‌های دوران بعدی ندارند. در نگاره‌ای از سال ۸۳۳ هـ ق نیز کم و بیش توغ با همان مشخصات تصویر شده است. با این اوصاف در نگاره‌ای بر جای مانده از سال ۸۸۲-۸۹۲ هـ ق در نسخه‌ای از خاوران‌نامه که در موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شود، توغی را از دوره تیموری نشان می‌دهد که گرچه در ساختار فرق چندانی با توغ‌های دوره ایلخانی ندارد، اما به جای شکل گلابی یا لوزی رأس توغ، نام «الله» نصب شده که جزو اولین تأثیرات اسلامی بر توغ است. توصیفاتى که از توغ‌های سده نهم آمده نشان می‌دهد که آنها فاقد عنصر اژدر بوده‌اند. عناصر دیگر مانند صندوقچه مکعب نیز در قرون بعد به توغ اضافه شده است.



تصویر شماره ۱۱: توغ در نگاره‌ای از کتاب جامع‌التواریخ رشیدی، سال ۷۰۷ هـ ق

گویا توغ ایرانی با مشخصات و مختصات ویژه خود از اوایل سده دهم شکل می‌گیرد، چنانکه از آغاز دوره صفوی عنصر اژدها به سر توغ‌های گیاه‌مانند، اضافه می‌شود. در مینیاتورهای این دوره مشاهده می‌شود که دو اژدر از کنار سر توغ بالا رفته است. در این دوره شکل گیاهی توغ برجسته شده و شاخ و برگ گیاه در قسمت سر توغ برجستگی و وضوح بیشتری دارد. پس

بر رغم این که توغ، اصلی غیر ایرانی دارد، اما دو عنصر اساسی در رمزپردازی توغ یعنی گیاه و اژدها در حوزه فرهنگی ایران به آن اضافه شده و با توجه به اسناد موجود این دو عنصر در شکل ابتدایی توغ وجود نداشته است. در واقع توغ‌هایی که از حوزه ماوراءالنهر و عمدتاً توسط ایلخانان وارد ایران شده است به لحاظ شکل و اجزاء فاقد مشخصات بومی ایران است؛ همچنین در مقایسه توغ ایرانی با توغ‌های دولت‌های قراقویونلو و عثمانی نیز که ادامه شکل توغ‌های ترکی است این تفاوت مشاهده می‌شود.

در یک نقاشی از جنگ شاه اسماعیل با سلطان سلیم عثمانی متعلق به سال ۱۵۲۵ م، توغ سپاه شاه اسماعیل دارای اژدها و در مقابل توغ سپاه سلطان سلیم فاقد این عنصر است. نمونه‌های مشابهی از تصاویر توغ‌های عثمانی را می‌توان در نگاره‌های نسخه خطی کتاب سیرالنبی از نگارگری‌های دوره عثمانی که در بین سال‌های ۹۸۱-۱۰۰۳ هـ ق نگارش یافته است، مشاهده کرد؛ افزون بر این، توغ فاقد سر توغ گیاه مانند و اژدهای جانبی نیز در نمونه‌های اصلی توغ عثمانی قابل مشاهده است.

در نگاره‌های نیمه اول قرن دهم رفته رفته نمادهای بومی ایرانی وارد عنصر توغ می‌شود؛ چنان که گویا دو اژدها از جانب گیاهی بالا رفته‌اند تا از آن تغذیه کنند. تصاویر متنوعی از این نوع توغ‌ها در شاهنامه طهماسبی (۹۲۸-۹۴۸ هـ) و ظفرنامه (۹۳۸ هـ) بر جای مانده است. (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۴؛ ص ۱۱۵). (تصویر شماره ۱۲ و ۱۳)



تصویر شماره ۱۲: ظفرنامه، سال ۹۳۵ هـ ق



تصویر شماره ۱۳: شاهنامه طهماسبی، سال ۹۲۸ هـ ق



### ۱۱- سیر تحول فرمی دهانه اژدر از صفویه تا امروز

بنا بر آنچه که تا کنون ذکر شد، تا قبل از صفویه و حدود قرن دهم هـ ق علامت‌های ایرانی فاقد اژدها بودند، از زمانی هم که اژدها بر روی علامت‌های ایرانی نصب شد، ویژگی‌های ظاهری شرق دور در آن بیشتر نمایان بود تا اژدهایی که تعریف آنها در ادبیات و اساطیر باستانی ایرانی آمده است.

از دوران صفویه تا به حال فرم کلی دهانه اژدر از نظر ظاهری تغییر چندانی نداشته است. اما در پرداختن به جزئیات می‌توان تفاوت‌های بی‌شماری را ذکر کرد. از جمله داشتن بدنی فلس‌دار، دم پیچ خورده، شاخ، گوش، چشم، زبان و دندان، ترکیب سر، زبان و چانه اژدر با زنگوله، تفاوت در اندازه اژدرها در اطراف تیغه اصلی تا انتهای شاسی و از همه مهم‌تر جنس و شیوه ساخت.

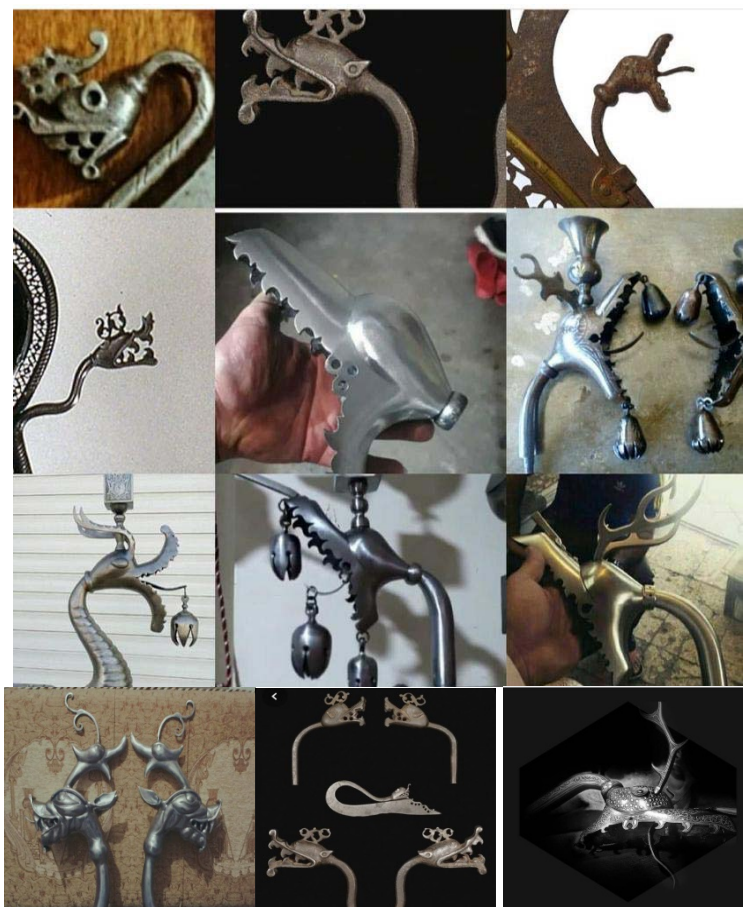
در مصاحبه‌ای که با آقای امیر حسین تاران (علامت‌ساز تهرانی معاصر) در خصوص شکل ظاهری، متریال و شیوه ساخت دهانه اژدر انجام شد، توضیح این نکته داده شد که ساخت دهانه اژدر از دوران صفویه تا کنون تغییر چندانی از نظر شکل ظاهری نداشته است. فقط شیوه ساخت در آن زمان ریخته‌گری با برنج به کمک جوشکاری کوره‌ای بوده است که برخی از هنرمندان علامت‌ساز امروزی شیوه چکشی و دست ساز با ورق فولاد و آهن را حفظ کرده‌اند و بقیه به روش ورق دوتکه یا چند تکه شبیه‌سازی می‌کنند و جوشکاری‌ها همه با گاز کپسول انجام می‌پذیرد و یا به شیوه پرس و قالب‌سازی عمل می‌کنند.

آخرین دهانه اژدری که بر روی علامت در انتهای شاسی‌ها بسته می‌شود بزرگ‌تر از بقیه اژدرها بوده و «گاوسر» نامیده می‌شود. و ترکیب اژدها با زنگوله ترکیب جدیدی است که ممکن است معنای خاصی را هم دنبال نکند. بلکه زمانی سلیقه شخصی باعث می‌شود فرد سازنده کاری را انجام دهد و پشت‌بند آن بقیه علامت‌سازان هم از وی تقلید کنند. (الف. تاران، مصاحبه شخصی؛ ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰)

در توضیحاتی که در پژوهش‌های انجام شده در حیطة علامت عبدالعلی خانعلی‌زاده طارمی در کتاب اسرار علم‌کشی آورده است زنگوله حیدری، نمادی از کاروان اسرای عاشورایی است.

پس با این حساب احتمال می‌رود در علامت‌های عاشورایی بعد از انقلاب قرابت بین اژدها و زنگوله اشاره به همان ویژگی نمادین نگهبانی و حفاظت اژدر داشته باشد، این بار از کاروانیان در مقابل لشکر دشمن.

با توجه به اینکه در دنیای معاصر همه چیز سمت و سوی ساده شدن و خلاصه‌گی گرفته است و سرعت عمل در اجرای سفارشات به دلیل محدود بودن زمان بسیار اهمیت دارد. دیگر آن ظریف‌کاری‌های وقت‌گیر دوره‌های گذشته در چکش زنی بر تک تک فلس‌های بدن اژدها و طلاکوب‌ها و نقره‌کوب‌های بی‌نظیر بر اندام آن خبری نیست. حتی در موارد زیادی چشم، گوش و دم از اژدرهای معاصر حذف شده است و تنها عناصر باقی مانده از اژدرهای قدیمی دهانی باز با دندان‌هایی پیدا است که گاهی زبانی در حلقوم آن مشاهده می‌شود، و در برخی از مواقع شاخ‌ها نیز حذف شده است.



تصویر شماره ۱۴: انواع دهانه اژدر برای نصب بر روی توغ‌ها و علامت‌ها

## ۱۲- نتیجه‌گیری

۱) توغ که به عنوان نمادی لشکری و آیینی از مرزهای شمال شرق وارد ایران شد و در تشکیلات حکومت‌های ایرانی اهمیت ویژه یافت، از دوره صفویه که دولت و آیین سخت با هم پیوند یافته‌اند، تحت تأثیر فرهنگ و هنر ایرانی و اسلامی قرار گرفته به شدت تغییر شکل و ماهیت داد، چنانکه با برخورداری از هویتی ایرانی از همانندهای خود در ساختار تشکیلاتی ترکان و عثمانیان تمایز یافت. توغ ایرانی نمادی از درخت- اژدهاست و مار به نوعی

نگاه‌دارنده درخت جاودانگی است؛ این ویژگی‌ها بیشتر در فرهنگ‌های بین‌النهرین، ایران و فرهنگ آریایی قابل شناسایی است. بنابراین تصویر توغ ایرانی می‌تواند بیانگر رابطه مرموز درخت حیات و مار- اژدها باشد؛ و مسلم است که ساختار توغی که مشتمل بر نقوش گیاهی، کتیبه‌های دینی مشبک کاری شده و گرد آن را اژدرهایی فرا گرفته باشد بدون شک نمودار توغ‌های ایرانی است.

۲) بنا بر مستندات ذکر شده در متن حاضر، اگر منبع الهام هنرمند توغ ساز را مانند سایر هنرمندان نگارگر بدانیم، که با الهام از قرآن، روایات و احادیث اژدها را گاه یار و یاور موسی و دشمن ستمکاران ترسیم کرده‌اند و گاه به شکل نیرویی شیطانی در جدال با مرد حق امیرالمومنین. باید بپذیریم که حضور اژدها در علامت‌های عاشورایی هم می‌تواند نماد نگهبان و یاری‌رسان امام حسین (ع) باشد و هم نماد عقوبت یزیدیان. پس لاجرم می‌پذیریم که اژدها در هنر اسلامی نمادی دوگانه است. هر چند که بر روی علامت‌های امروزی هیچ عنصری با مضامین منعی به چشم نمی‌خورد.

۳) بنا بر نمادشناسی ذکر شده از چین، ایران و فرهنگ‌های مختلف دیگر نقاط جهان در خصوص اژدها، این موجود افسانه‌ای با آب و بی‌آبی قرابتی عمیق دارد. شاید بتوان گفت یکی دیگر از دلایل حضور پر رنگ اژدر بر توغ‌های ایرانی نمادی از بی‌آبی و شهادت خاندان سیدالشهدا در اوج عطش و تشنگی بوده است.

۴) شاید هم وجود اژدر با دهانی باز و با آتشی روشنی بخش در طرفین تیغه میانی نمادی باشد برای این حدیث پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ الْجَنَّةِ» امام حسین (ع) از ازل همان چراغ هدایتی است که مسیر هدایت به صراط‌مستقیم را روشن کرده و بر اساس این حدیث هر کس در هر زمان و مکانی توفیق هدایت به سوی صراط مستقیم را یافت، مدیون امام حسین علیه‌السلام و وجه مصباح هدایتی حضرت است. و این مسیر به برکت حضور اژدر همیشه روشن و نورانی است.

۵) در نهایت این نظریه که اژدها همان جنیان حاضر در میدان نبرد بوده‌اند که اذن میدان خواسته‌اند و امام موافقت نکردند نیز تا حدودی درست است، زیرا همان گونه که در بالا نیز به

آن اشاره کردیم حضور اژدها حامل معنایی دوگانه است هم می‌تواند نمودی از جنیان حامی باشد (نیروی خیر) و هم نمودی از عقوبت کار ستمگران در جهنم و در کنار مار غاشیه در دوزخ باشد (نیروی شر) هرچند، امروزه ما علامت‌هایی داریم که بر روی آنها نمادهایی اصطلاحاً با نام «سر دیو» نصب می‌شود که قطعاً نمادی از جنیان است و از نظر شکل ظاهری کاملاً با اژدها منافات دارد.

۶) همانگونه که ذکر شد، اژدها به دلیل داشتن آتش در دهان نمادی از نورانیت، به دلیل داشتن شکل ظاهری مار پیچ و فکس‌دار قرابتی با رودخانه‌های سطح زمین و به دلیل داشتن بال با ملکوت و آسمان‌ها در ارتباط است. این احتمال هم وجود دارد که اژدها نمادی از پرواز به سمت عالم بالا و واسطه‌ای برای حضور شهدا در محضر نورانی یگانه هستی بخش نیز بوده باشد.

۷) از دوران صفویه تاکنون در شکل کلی ظاهر «دهانه اژدر» تغییرات چندانی مشاهده نشده است، جز این که رفته رفته جزئیات آن کمتر شده است، در دوران صفویه ما اژدرهایی با چشمان گشوده، شاخ، بال‌های کوچک، زبان و شعله آتش، دندان، گردنی پیچ خورده و تابدار بر گرد تیغ داشتیم. اما اکنون سر اژدر ساده‌تر شده و حتی گاه‌ها از شاخ و پر و زبان و شعله آتش هم خبری نیست و فقط سری با دهانی باز و دندان‌هایی پیدا ساخته و پرداخته می‌شود که گاه زنگوله‌هایی نیز از آن آویزان‌اند.

### کتابنامه

۱. الهی، محبوبه (۱۳۷۷). تجلی هنر عاشورا در هنر ایران. چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
۲. بلوک‌باشی، علی (۱۳۸۳). *نخل‌گردانی*. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. توحیدی، فائق (۱۳۹۴). فن و هنر فلزکاری در ایران. چاپ اول، قم، انتشارات سمت
۴. خانعلیزاده طارمی، عبدالعلی (۱۳۹۰). اسرار علم کشتی. چاپ اول، مشهد، انتشارات بابکان
۵. دانشوری، عباس (۲۰۱۱). *مار و اژدها در هنر اسلامی (تحقیقی در حوزه نماد نگاری)*. انتشارات مزدا، اوت ۲۰۱۱.
۶. رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۹). *اژدها در اساطیر ایران*. چاپ اول، تهران، انتشارات توس.
۷. مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۹۵). *توغ‌های ایرانی*. چاپ اول، تهران، ناشر ۷ دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۸. مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۹۶). *تصوف ایرانی و عزاداری عاشورا مطالعات فرهنگی شیعی*، نشر آرما.
۹. یآوری، حسین (۱۳۸۰). فلزکاری. چاپ دوم، تهران، نشر سوره مهر
۱۰. مقالات
۱۱. بهدانی، مجید؛ مهرپویا، حسین (۱۳۹۰). «پژوهشی بر موضوع نبرد حضرت علی (ع) با اژدها در چهار نگاره از خاوران‌نامه موزه کاخ گلستان». *دو فصلنامه علمی - پژوهشی هنرهای تجسمی* *تقش‌مايه*، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۹۰.
۱۲. حسینی، سیدهاشم (۱۳۹۰). «بازتاب و تحلیل نگاره اژدها در سفالینه‌ها کاشی‌های دوران اسلامی ایران». *فصلنامه علمی - پژوهشی نگره*، شماره ۱۹، پاییز ۹۰.
۱۳. خان حسین‌آبادی، عطیه؛ اشراقی، مهدی (۱۳۹۷). «مفاهیم نمادین نقوش حیوانی کاشی‌کاری گنبد الله وردیخان از دوره صفویه در حرم مطهر رضوی». *نشریه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی*، سال چهارم، شماره ۳۱، فصل پاییز ۹۷.
۱۴. رشیدی فر، زهرا (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی علامتهای عزاداری امام حسین (ع) در اصفهان و ایبانه. اولین کنفرانس ملی نمادشناسی در هنر ایران با محوریت هنرهای بومی، دانشگاه بجنورد

۱۵. شهروی، سعید (۱۳۹۴). «اژدها نماد کلام خشک‌سالی؟ کهن‌نامه‌ی ادبیات پارسی». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۹۴.
۱۶. ظاهری، علیرضا (۱۳۸۸). «سیر تحول و طبقه‌بندی اژدها در نگارگری ایران». دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره دهم، بهار-تابستان ۸۸.
۱۷. مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۹۴). «ویژگی‌های ساختاری و نمادین توغ ایرانی». مجله‌ی علمی پژوهشی تاریخ و تمدن اسلامی شماره ۲۲، زمستان ۹۴.
۱۸. مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۸۹). بررسی کتیبه‌های توغ‌های عزاداری در ایران عصر صفوی. تاریخ و تمدن اسلامی، سال ششم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۱۹. میرشکرایی، محمد (۱۳۸۳). محرم و نشانه‌های نمادین. کتاب ماه هنر، آذر و دی ۱۳۸۳، شماره ۷۶ و ۷۵.
۲۰. نایب‌زاده، راضیه؛ سامانیان، صمد (۱۳۹۴). «اژدها در اسطوره‌ها و فرهنگ ایران و چین». فصلنامه‌ی ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، شماره ۳۸، بهار ۹۴.
۲۱. نایب‌زاده، راضیه؛ سامانیان، صمد (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر تفکرات شیعی در کاربست نقش اژدها در آثار هنری ایران». فصلنامه علمی-پژوهشی نگره، شماره ۴، زمستان ۹۵.
۲۲. پیوست:
۲۳. تاران، امیرحسین (۱۳۷۱/۳/۳۱). علامت‌ساز، مصاحبه از تیلا اصغرزاده منصوری در تاریخ ((۱۴۰۰/۲/۱۴))

### Book

24. Elahi, Mahboubeh (1998). The manifestation of Ashura art in Iranian art. First edition, Mashhad, Astan Quds Razavi Publications
25. Blockbashi, Ali (۲۰۰۴). Palm-Carrying (ritual). Tehran, Cultural Research Office.
26. Tawhidi, Faeq (۲۰۱۵). The art of metalworking in Iran. First Edition, Qom, Samat Publications
27. Khan Alizadeh Taremi, Abdul Ali (۲۰۱۱). Secrets of banner- carrying(ritual). First edition, Mashhad, Babakan Publications
28. Daneshvari, Abbas (2011). Snakes and dragons in Islamic art (research in the field of symbolism). Mazda Publications, August 2011.

29. Rastegar Fasaei, Mansour (۲۰۰۰). Dragon in Iranian mythology. First Edition, Tehran, Toos Publications.
30. Mashhadi Noshabadi, Mohammad (2015). Iranian Toghs. First Edition, Tehran, Publisher 7 Cultural Research Office.
31. Mashhadi Noshabadi, Mohammad (۲۰۱۷). Iranian Sufism and Ashura Mourning Shiite Cultural Studies, Arma Publishing.
32. Yavari, Hussein (۲۰۰۱). Metalworking. Second Edition, Tehran, Surah Mehr Publishing
- 33. Articles**
34. Behdani, Majid; Mehrpooya, Hossein (2011). "A study on the subject of Imam Ali's (as) battle with the dragon in four drawings from the Khavarannameh of the Golestan Palace Museum". Bi-Quarterly Journal of Map Visual Arts, Fourth Year, No. 7, Spring and Summer 1990.
35. Hosseini, Seyed Hashem (1390). "Reflection and analysis of the image of the dragon in the pottery tiles of the Islamic era in Iran". Nagreh Scientific-Research Quarterly, No. 19, Fall 2011.
36. Khan Hosseinabadi, Atieh; Ishraqi, Mehdi (2018). "Symbolic Concepts of Animal Tile Patterns of Gonbad Allah Verdikhan from the Safavid Period in the Holy Shrine of Razavi". Scientific-Research Journal of Islamic Art Studies, Fourth Year, No. 31, Fall 2011.
37. Rashidifar, Zahra (2017). A comparative study of the mourning signs of Imam Hussein (AS) in Isfahan and Abyaneh. The first national conference on symbolism in Iranian art with a focus on indigenous arts, Bojnourd University.
38. Shahravi, Saeed (2015). "The dragon is a symbol of the dry word of the year?" Archive of Persian Literature. Institute of Humanities and Cultural Studies, Year 6, Issue 4, Winter 2015.
39. Zaheri, Alireza (2009). "Evolution and classification of dragons in Iranian painting". Two Scientific-Research Quarterly of Islamic Art Studies, No. 10, Spring-Summer 2009.
40. Mashhadi Noshabadi, Mohammad (2015). "Structural and symbolic features of Iranian Togh". Journal of Islamic History and Civilization No. 22, Winter 2015.
41. Mashhadi Noshabadi, Mohammad (2010). A Study of the Inscriptions of Mourning Toghs in Safavid era in Iran. Islamic History and Civilization, Year 6, Issue 12, Fall and Winter 2010
42. Mirshakraei, Mohammad (2004). Muharram and symbolic signs. Book of the month of art, December and December 2004, No. 75 and 76
43. Nayebzadeh, Razia; Samanian, Samad (2015). "Dragon in the myths and culture of Iran and China". Quarterly Journal of Mystical Literature and Mythology, No. 38, Spring 2015.



44. Nayebzadeh, Razia; Samanian, Samad (2016). "Study of the effect of Shiite thoughts on the use of the role of the dragon in Iranian works of art". Nagreh Scientific-Research Quarterly, No. 4, Winter 2016.

**Attachment:**

45. Taran, Amir Hossein (1992 June 21 ). Marker, interview with Tila Asgharzadeh Mansouri on (2021 May 4)